

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی و تحلیل انسان شناسی در قصاید عرفانی سنایی

۱- علی کیانی زاد مهر ۲-صادق زیندینی جشوقانی

۱-دانشجوی ارشد ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد

Email: ali.kiani.zadmehr.1374@gmail.com

۲-دانشجوی ارشد ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

Email:sadegh7266@gmail.com

چکیده

موضوع انسان شناسی از دیر باز در ادیان و مذاهب مختلف در سراسر جهان مورد نظر بوده است. در عالم اسلام نیز متفکران بزرگی این موضوع مهم را واکاوی نموده‌اند. در پژوهش حاضر به مهم ترین آرا و نظرات شاعر و حکیم ایرانی یعنی سنایی پرداخته شده است. سنایی نسبت به انسان دو رویکرد مثبت و منفی دارد. در جهان بینی حکیمانه او، انسان از مقام بلند خلیفه الهی خود سقوط کرده و باید به جایگاه پیشین بازگردد. این بازگشت را سنایی رسالت خود می‌داند و در قصایدش بر آن تاکید می‌نماید. اما در رویکرد منفی، انسان مورد نکوهش قرار می‌گیرد. سنایی در روزگاری زندگی می‌کند که سجایای اخلاقی رنگ باخته‌اند و پادشاهان زمان نیز مغرور گشته‌اند، در واقع همین اوضاع باعث می‌شود که سنایی به نکوهش انسان بپردازد تا بلکه بتواند دوباره انسان مدنظر خود را احیا کند.

کلمات کلیدی: سنایی، قصاید عرفانی، انسان شناسی

مقدمه و هدف

انسان شناسی یکی از کهن ترین مباحثی که از دیرباز مورد توجه متفکران و اندیشمندان بوده است، مبحث انسان شناسی است. امروزه انسان شناسی یا مردم شناسی به عنوان یکی از شاخه های علوم اجتماعی در میان اهل تحقیق شناخته می‌شود.

دو اصطلاح انسان شناسی و مردم شناسی بازگردان واژگان (Anthropologie) و (Ethnopedologie) است که در لغت هم معنا و معادل اند. اولی از ریشه یونانی (Anthropos) به معنی انسان و دومی از ریشه یونانی (Ethnos) به معنی قوم و مردم گرفته شده است. واژه آنتروپولوژی برای اولین بار توسط ارسطو مورد استفاده قرار گرفت و منظور او علمی بود که در جهت شناخت انسان تلاش می‌کند. (فرید، ۱۳۸۰، ص. ۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ارسطو انسان را حیوان ناطق نامید و کوشید با این اصطلاح به جنبه جسمانی انسان و جنبه اعلای وجود او یعنی تفکر و اندیشیدن به عنوان مهم ترین عامل تمایز انسان و حیوان اشاره کند؛ اما حیوان نامیدن انسان و توجه افراطی به جنبه جسمانی و مادی وجود او باعث شکل گیری مکاتب و رویکردهایی گردید که همه ملاکها و مقیاسها را در بعد مادی انسان جستجو می کنند یکی از این مکاتب فکری که حاصل تفکرات غربی است، مکتب اومانسیم نام دارد.

با وجود تعریفها و معانی گوناگون برای اومانسیم می توان گفت تاکنون دو معنای آن یعنی معنای ادبی و معنای فلسفی بیشتر رواج یافته است. نیز از میان این دو، معنای فلسفی آن امروزه بیشتر مطرح است؛ زیرا در دل خود به معنای ادبی نیز توجه دارد. اومانسیم به معنای فلسفی آن همان انسان سالاری و بشرانگاری یا اعتقاد به اصالت بشر در برابر اعتقاد به اصالت خداست. این مکتب انسان را یگانه حقیقت جهان آفرینش می داند و به جای خدا می نشاند؛ یعنی اومانسیم در شکل افراطی اش در تضاد با خدامحوری یا خداگرایی است و هرگونه اندیشه متافیزیکی مانند وحی الهی و ادیان آسمانی را نفی می کند و بشر را مالک الرقاب هستی و فرمانروای مطلق طبیعت می انگارد. (زرشناس، ۱۳۸۱، ص. ۳۸-۳۹)

انسان شناسی مورد توجه دانشمندان علوم تجربی نیز قرار گرفته است که حاصل آن شکل گیری رشته انسان شناسی زیستی در این حوزه است.

مراد از انسان شناسی زیستی، مطالعه خصوصیات زیستی و بدنی تکامل و تطور انسان و اختلافات زیستی موجود میان انسان هاست. این علم به مطالعه منشاء تغییرات و تفاوت های موجود میان افراد یک گروه از یک طرف و جمعیت های مختلف انسانی از طرف دیگر می پردازد، در انسان شناسی زیستی مطالعه اختلاف موجود میان انسان ها با توجه به رشد و نمو و اختلاف تشریحی امری ضروری است. مقایسه وضع فیزیولوژیک متابولیک و بیوشیمیک بدن در گروه های مختلف انسانی نیز انجام می شود، انسان شناسی زیستی همچنین تفاوت در اندازه گیری های بدن را میان افراد مختلف از یک طرف و میان گروه ها و از طرف دیگر مطالعه و مقایسه می کند. (مشایخی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۴)

در دین اسلام و ادیان الهی نگاه ویژه و متعالی به انسان می شود.

از آنجا که ادیان الهی برای سعادت بشر نازل شده است؛ در زمینه انسان شناسی سخنان بسیار دارد. مهم ترین موضوع ادیان الهی پس از خدا، انسان است؛ بنابراین دین درباره مبدأ چگونگی و هدف آفرینش انسان کمال و سعادت و راه دستیابی به آن و همچنین سایر موضوعات مربوط به او مطالب مهمی را ارائه کرده است. (گرامی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹)

در نظرگاه دینی انسان به عنوان اشرف مخلوقات برترین آفریده خداوند است و مقام خلیفه الهی را کسب می کند و مسجود ملائک قرار می گیرد. همچنین دین دستورالعملها و احکام مورد نیاز برای سعادت و بهره مندی از نعمات الهی را نیز در اختیار او قرار می دهد. اما گروه دیگری از مسلمانان که بعدها واژه های عارف و صوفی از میان آنها به وجود آمد، رویکرد خاصی از انسان ارائه دادند. عرفا نظام

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هستی را بر مبنای نظام چینش اسمایی در نظر گرفتند، به طوری که هر موجودی را نماینده یکی از اسماء خداوند قلمداد نمودند و موجودی را که نماینده عالی‌ترین اسم خداوند یعنی «الله» است را انسان دانستند و او را خلاصه و چکیده کلام هستی مد نظر قرار داده‌اند. در نظر گاه عرفانی، انسان با اجرای برنامه عملی ویژه به کسب مقامات عالیه در نهایت مقام انسان کامل نائل می‌شود و اجازه دخل و تصرف در امور هستی در پرتو اراده خداوند را می‌یابد. در میان عرفای مسلمان سنایی در زمینه انسان‌شناسی صاحب نظر است که هدف ما در این مقاله بررسی رویکردهایی است که او در قصاید خود به آن پرداخته است.

تئوری و پیشینه تحقیق

مبنای نظری پژوهش حاضر بر مباحث عرفانی، دیدگاه سنایی در رابطه با انسان و واکاوی نیک و بد نگاه او به انسان است.

پژوهش‌هایی که پیش از این در این راستا انجام شده اند عبارتند از:

۱. جامعه‌شناسی ادبیات عرفانی سنایی، شریفیان، مهدی، ۱۳۸۹

۲. بن‌مایه‌های اثرگذار در شعر سنایی، محمدزاده، حسنا، ۱۴۰۰

۳. واکاوی بایسته‌های انسانی در حدیقه الحقیقه سنایی، حاجی‌آبادی، محمد، ۱۳۹۸

مواد و روش‌ها

مواد پژوهش حاضر، قصاید سنایی است که از میان آنها به قصاید عرفانی او برای رسیدن به مباحث انسان‌شناسی، توجه خود را معطوف کرده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای-توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

نتایج و بحث

همانگونه که اشاره شد سنایی در موضوع انسان‌شناسی رویکردهایی را بیان کرده است که هر کدام را به جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱- رویکرد متعالی

در این رویکرد ویژگی‌های مثبت انسان که سنایی در قصاید به آن پرداخته مورد نظر است که به شرح آنها می‌پردازیم

۱-۱- انسان پرورده لطف حق

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سنایی یکی از ویژگی‌های ارزشمند و مهم انسان را برخورداری از رحمت و لطف الهی می‌داند که در نظر او انسان پرورش یافته خداوند است:

ای ایزدت از رحمت آفریده در سایه لطف بپروریده
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۵۸۷)

در نگاه سنایی خداوند اولین پرورش دهنده و مربی انسان است که همه انسان‌ها را با مهر و محبت خلق نمود. کسی که نسبت به مخلوقات مانند مادری مهربان است.

ز اول به مهر دل همه را بیوردد مانند مادران شفیق و رحیم ما
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۵۸)

۱-۲- برگزیده شدن انسان

از دیگر نکات و ویژگی‌های مثبت انسان در نگاه سنایی ویژگی برگزیدگی و منتخب قرار گرفتن در میان موجودات است. سنایی انسان را حقیقتی می‌داند که برگزیده شدن، جزئی از جوهر و نهاد اوست.

آدمی اصلی بود با اجتناب و اصطفای هر چه از ابلیس معروف است منکر داشتن
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷۲)

۱-۳- انسان در معرض امتحان

انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای دارد، اما برای اینکه مس وجودش به طلال بدل شود و ارزش و اعتبار او نیز مشخص گردد، باید مورد امتحان قرار گیرد و سنایی معتقد است به محک همین امتحان و آزمایش است که انسان می‌تواند ارزش و معیار خود را مشاهده کند:

تیغ تحقیق از نیام امتحان چون برکشی هم ببینی حال خود را مهره‌ی یا گوهری
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۵۲)

۱-۴- آماده پرواز تا بی نهایت

انسان تنها موجودی در نظام هستی است که قابلیت و استعداد رشد و کمال دارد و می‌تواند تا بی‌نهایت خود را ارتقا دهد، جسم انسان محکوم به فنا و نیستی است، اما روح الهی که در نهاد او قرار دارد از فنا و زوال در امان است و آماده پرواز تا بالاترین درجه را داراست. سنایی نیز انسان را به رشد و کمال و بال و پر دادن به این روح الهی تشویق و ترغیب می‌کند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رخت برگیر از این سرای کهن پیش از آن کایدت زمانه فراز
این خوش آواز مرغ عرشی را بال بگشایی تا کند پرواز

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۰)

سنایی خود نیز در تکاپو و تلاش برای رسیدن به اوج انسانیت است و بی‌صبرانه منتظر رسیدن به این هدف است او تن را مانند قفسی می‌بیند که در تلاش برای رهایی از آن است:

کی باشد کین قفس پردازم در باغ الهی آشیان سازم

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۱)

۱-۵- انسان در اوج زیبایی

خداوند در سوره تین خلقت انسان را در نیکوترین و بهترین صورت توصیف می‌کند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (تین: ۴)

و سنایی در این بار می‌گوید:

ای نور جمالت از رخ تو انگشت اشارت کنان بریده

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۵۸۷)

۲- رویکردهای منفی

سنایی در رویکرد منفی خود به انسان به تحقیر و خوار داشت او می‌پردازد و هدف او از این اقدام بیشتر شکستن کبر و غرور انسان است. او اصل و جوهر انسان را از خاک سیاه و منی می‌داند و به دوری از کبر و خودبینی توصیه می‌کند:

ای اصل تو از خاک سیاه و تن از منی در سر منی مکن که به ترکیب چون منی

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۹۹)

در نگاه او موجودی که اصل او از خاک است و در نهایت هم به خاک باز می‌گردد، دیگر مجالی برای غرور نمی‌ماند:

آن کو ز خاک باشد آخر رود به خاک او را کجا رسد به مایی و منی

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۹۹)

پیروی از نفس یکی از عواملی که باعث می‌شود انسان در نگاه سنایی تبدیل به موجودی پست و ذلیل شود:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تا تو بیمار هوای نفس باشی مر تو را بایدت بر خاک خواری خفت و بستر داشتن

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۷۲)

در شکل‌گیری رویکرد منفی به انسان در نگاه سنایی روزگار ناموافق هم‌بی‌تاثیر نبوده است. در میان قصاید سنایی چند وسیله به شکایت از روزگار، از میان رفتن رسم وفا، ظلم و ستم حاکمان و اسیر شدن مردم در چنگ زذایل اخلاقی موجود است که نشان می‌دهد جامعه در شرایط بدی از لحاظ اخلاقی قرار دارد که در آن وفا و مروت همچون سیمرغ کیمیا به افسانه بدل گشته است:

منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا این هر دو مانده نام چو سیمرغ و کیمیا

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۸)

سنایی در زمانه‌ای زندگی می‌کند که مردمان دیگرگونه گشته‌اند و حلال و حرام خداوند را با هم تغییر داده‌اند:

ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده‌اند از سر بی‌حرمتی معروف منکر کرده‌اند

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۸)

حاکمان به جای اینکه دادخواه مظلومان و رنج‌کشیدگان باشند، بر درگاه خود سدی همانند سد اسکندر درست می‌کنند و آنان را از خود می‌رانند:

پادشاهان قوی بر دادخواهان ضعیف مرکز درگاه را سد سکندر کرده‌اند

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۸)

ثروتمندان نیز به جای اینکه دست فقرا و تهی‌دستان را بگیرند، خود غمی در دل آنها می‌شوند:

مالداران توانگر کیسه درویش دل در جفا درویش را از غم توانگر کرده‌اند

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹)

کتاب خدا در این روزگار چندان خواننده و خریدار ندارد، اما چنگ و بربط و آلات موسیقی و منزلت بیشتری دارند:

مصحف یزدان در این ایام کس می‌ننگرد چنگ و بربط را بها اکنون فزون‌تر کرده‌اند

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۰)

صوفیان که خود مدعی خداشناسی و پرهیزگاری و تقوا هستند، برای کسب مال و جاه روی به دین فروشی آورده‌اند:

خرقه پوشان گشته‌اند از بهر زرق و مخرقه دین فروشان گشته‌اند از آرزوی جاه و مال

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۵)

سنایی در این روزگار، عالم را همه زاغ سیاهی می‌بیند که در آن صبح سپیدی و روشنی نمی‌یابد، او جهان را پر از افراسیاب‌های به ظاهر انسان گشته می‌بیند و در میان آنها همانند زال راهنمایی پیدا نمی‌کند:

عالمی زاغ سیاه و نیست یک باز سفید یک رمه افراسیاب و نیست پیدا پور زال

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴۶)

در چنین جامعه‌ای به نظر می‌رسد که از مسلمانی جز اسم و رسمی باقی نماند و اعمال و رسوم اسلام دیگر تبدیل به عادت شده است و سنایی فریاد حسرت و دریغ سر می‌دهد:

مسلمانی کنون اسمی‌ست بر عرفی و عاداتی دریغا کو مسلمانی دریغا کو مسلمانی

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۷۸)

با این وصف، سنایی آفتاب دین را غروب کرده و در سیاهی می‌بیند و از مسلمانان واقعی چون سلمان و بودردا یاد می‌کند:

فرو شد آفتاب دین برآمد روز بی دینان کجا شد درد بودردا و آن اسلام سلمانی

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۷۸)

خود سنایی هم از این جامعه بی‌بهره نمانده و دو چیز را به‌عنوان و بهره و نصیب خود معرفی می‌کند، او در این روزگار از دوستان خود مذلت و از دشمنان ریاکار بهره برده است:

آمد نصیب من به همه مردمان دو چیز از دوستان مذلت و از دشمنان ریا

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۶۲)

او که اوضاع را نابسامان می‌بیند، به‌عنوان یک اندیشمند و متفکر به اعتراض و پند و اندرز روی می‌آورد تا بتواند این وضعیت سر و سامان دهد و مرهمی برای دردهای جامعه بیابد. در اینجاست که شاعر منتقد به مسائل اجتماعی است و شفیعی کدکنی نیز که آن را قطب خاکستری سنایی می‌نامد، ظهور پیدا می‌کند. سنایی منتقد در پی آن است که با اعتراض و گله و دعوت به پند گیری و عبرت بینی مردم آن زمان را متوجه انحراف جامعه کند و با زبان شعر انسانیت فروخته در درون انسان‌ها را بیدار کند. به همین منظور چند قصیده انتقادی می‌سراید از جمله قصیده معروفی که بیت در آغازین آن صاحبان قدرت مال را به باد انتقاد می‌گیرد:

ای خداوندان مال اعتبار اعتبار ای خدا خوانان قال الاعتذار الاعتذار

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در این قصیده سنایی و صاحبان قدرت و حاکمان جبار روزگار را دارای خوی و طبع حیوانی معرفی می‌کند و مردمان رنج کشیده را بشارت می‌دهد که صبر کنند تا حقیقت این حیوان صفتان برملا شود:

اندرین زندان برین دندان زنان سگ صفت روزکی چند ای ستمکش صبر کن دندان فشار
تا ببینی روی آن مردم‌کشان چون زعفران تا ببینی رنگ آن محنت‌کشان چون گل انار
گرچه آدم سیرتان سگ صفت مستولیند هم کنون بینی که از میدان دل عیاروار
جوهر آدم برون تازد برآرد ناگهان زین سگان آدمی کیمخت و خر مردم دمار

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۴)

سنایی در مورد مردم عادی هم هشدار می‌دهد که با وجود حرص و شهوت آنها نیز باید مراقب باشند که خوی حیوانی در آنها غلبه نکند:

حرص و شهوت در تو بیدار خوش خوش مخسب چون پلنگی بر یمین داری و موشی بریسار

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۲)

بعد حیوانی انسان همانند چاهی عمیق است که انسان در آن گرفتار می‌گردد و در این شرایط تنها قرآن است که مانند طناب نجات ظاهر می‌شود تا او را از این چاه ظلمت نجات دهد، اما سنایی این نکته را متذکر می‌شود که اگر انسان اسیر چاه حیوانی وجود خود باشد، مفاهیم روح بخش قرآن تنها برای انسان حکم رهایی از این چاه را دارد اما در این مرحله انسان نمی‌تواند به رموز و اسرار و باطن قرآن راهی پیدا کند:

چیست جز قرآن رسن‌های الهی مر تو را تا تو اندر چاه حیوانی و شهوانی دری

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۶۲)

خشم نیز در وجود انسان یکی از مواردی که او را به خوی حیوانی نزدیک می‌کند، سنایی به زیر پا گذاشتن آن را توصیه می‌کند:

خشم را در زیر آر در دنیا که در چشم صفت سگ بود آنجا کسی کاینجا نباشد سگ سوار

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۷)

سنایی دوباره یادآوری می‌کند تا زمانی که انسان به دنبال شهوت شکم‌پرستی است، به درگاه الهی نمی‌تواند برسد:

تا تو اندر زیر بار حلق و جلقی چون ستور پرده داران کی دهندت بار بر درگاه یار

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بعد شیطانی که در وجود انسان است، قرین و همراه رذایلی چون حرص و شهوت است و انسان اگر میل و رغبتی به نعمت‌های بهشتی دارد باید از این رذایل اخلاقی که او را به شیطان نزدیک می‌کند دوری کند:

ز حرص و نفس شهوانی عدیل و یار شیطان ز شیطان دور شو آن گه امید وصله حورا کن
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۹۴)

اما عالی‌ترین بعد وجود انسان در نگاه سنایی بعد روحانی است بعدی از وجود انسان که به اعتقاد سنایی تنها با آن می‌تواند به آستان حضرت دوست راه یافت و تا انسان به این ویژگی خود واقف نگردد نمی‌تواند به درگاه خداوند نخواهد داشت.

ای سنایی زآستان نتوان شدن بر آسمان زان که روحانی رود بر آسمان از آستان
(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۴۵۴)

۳- انسان کامل

در عرفان اسلامی انسان کامل تجلی ظهور و بروز بزرگ‌ترین اسم الهی یعنی «الله» است. او در بالاترین و اعلاترین جایگاه خلقت قرار دارد و اجازه دخل و تصرف در نظام هستی در پرتو اراده خداوند را می‌یابد. سنایی نیز ویژگی‌های انسان کامل را در میان بهترین انسان‌هایی که از آغاز خلقت پا به عرصه وجود نهاده‌اند؛ یعنی پیامبر اسلام و آل او و همچنین برخی اصحاب خاص و عرفای تراز اول زمان خود جست‌وجو می‌کند.

۳-۱- پیر و راهنما

«پیر گاه به معنی مرشد و قطب است و گاه رند خراباتی و گاه عقل را گویند» (سجادی، ۱۳۸۳، ص. ۳۰۱) در تذکره الاولیاء آمده: «پیران آینه‌توانند، چنان بینی ایشان را که تویی» (عطاری، ۱۳۷۳، ص. ۶۴۲) در کتاب اسرار التوحید درباره ویژگی‌های پیر چنین آمده:

شیخ ما را پرسیدند که پیر محقق کدام است و مرید مصدق کدام؟ شیخ ما گفت: پیر محقق آن است که کمترین این ده چیز در وی بازبند تا در پیری درست باشد. نخستین، مراد گردیده باشد تا مرید تواند داشت. دوم راه سپرده باشد تا راه تواند نمود. سیم، مهذب و مؤدب گشته باشد تا مؤدب توان بود. چهارم، بی‌خطر و سخی باشد تا مال فدای مرید توان کرد. پنجم، از مال مرید آزاد باشد تا در راه خودش به کار نباید داشت. ششم، تا با اشارت پند تواند داد به عبارت ندهد. هفتم تا به رفق تأدیب تواند کرد به عنف و خشم نکند. هشتم، آنچه فرماید نخست به جای آورده بود. نهم، هر چیزی که از آتش باز دارد از آن باز ایستاده بود. دهم، مرید را برای خدا پذیرد، برای خلق رد نکند. چون پیر چنین باشد و بدین اخلاق آراسته بود مرید جز مصدق و راهور نباشد که آنچه در مرید پدید می‌آید آن صفت پیر است که بر مرید ظاهر می‌شود. (محمدبن منور، ۱۳۸۸، ص. ۷۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چنین انسانی می‌تواند وظیفه راهنمایی و هدایت دیگر طالبان را بر عهده بگیرد. سنایی نیز در نعت پیامبر گرامی اسلام مهر او را به‌عنوان پیر و مراد عاقلان و سخنان او را دوی درد عاشقان معرفی می‌کند:

راه عقل عاقلان را مهر او مرشد شده است درد جان عاشقان را نطق او مرهم بود

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۵)

پیر همان کسی است که با اطاعت و پیروی از او زمینه پرواز انسان تا بی نهایت فراهم می‌شود، انسانی که با شکستن بت‌های خود لیاقت و شایستگی از خود نشان می‌دهد.

پای پیری گیر اگر خواهی که پروازی کنی چون شکستی بت را باشد که بر بت گر زنی

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۶۹۳)

۲-۳- گوهر آفرینش

انسان اشرف مخلوقات و دردانه خلقت محسوب می‌شود، اما از آنجا که حقیقت انسان کامل به بهترین شکل در وجود پیامبر گرامی اسلام تجلی یافته آن حضرت به‌عنوان گوهر آفرینش در نظام خلقت قرار می‌گیرد و این جایگاه جز ایشان به کسی نمی‌رسد:

آفتاب کل مخلوقات آن کز بهر جاه یاد کرد ایزد به جان او به قرآن در قسم

نیست اندر هشت جنت کس چون او با قدر و جاه نیز در هفت آسمان دیگر چون او یک محتشم

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۶۳)

۳-۳- واسطه فیض

در عرفان اسلامی انسان کامل، واسطه دریافت فیوضات و الطاف و رحمت حق بر موجودات است. «بدین وسیله انسان کامل است که حق به خلقش می‌نگرد و رحمت بر آنها روا می‌دارد و از این روست که به بیان ابن عربی انسان را انسان نامیده‌اند، چرا که او انسان العین (مردمک دیده) حق است» (رحیمیان، ۱۳۹۰، ص. ۲۴۵) پیامبر گرامی اسلام نیز به‌عنوان بهترین نمونه انسان کامل همانند طیبی است که رحمت الهی را مانند مرهم و دارو بر مخلوقات جاری می‌سازد:

کای محمد رو طیب حاذق و صادق تویی خلق کن با خلق و برنه درد ایشان را مرم

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۵)

از القاب پیامبر گرامی اسلام رحمت للعالمین است که نشانگر آن است که خداوند متعال رحمت خود را به واسطه او بر موجودات روان می‌سازد. سنایی هم معتقد است این صفت فقط از آن جهت به پیامبر داده شده است که باعث زیبایی هر دو عالم گردد

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رحمتت زان کرده‌اند این هر دو تا از گرد لعل این جهان را سرمه بخشی آن جهان را توتیا

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۳۴)

خداوند متعال به واسطه پیامبر گرامی اسلام همه عالم خلقت را نور و زیبایی و طهارت و پاکی می‌بخشد:

از رخس گردد منور گر همه جنت بود وز لبش یابد طهارت گر همه زمزم بود

(سنایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۶)

نتیجه گیری

در موضوع انسان‌شناسی، سنایی نسبت به انسان دو رویکرد مثبت و منفی دارد. در رویکرد مثبت او به انسان، آدمی پروده حضرت حق، برگزیده شده و آماده پرواز تا بی‌نهایت است؛ اما در رویکرد منفی، انسان تحقیر می‌شود و مورد نکوهش قرار می‌گیرد، سنایی در روزگاری زندگی می‌کند که سجایای اخلاقی رنگ باخته‌اند و جامعه مملو از بی‌وفایی و ریا و دورنگی و بی‌انصافی گشته و پادشاهان زمان نیز مغرور گشته‌اند، در واقع همین اوضاع باعث می‌شود که سنایی به نکوهش و خوارداشت انسان بپردازد تا بلکه بتواند دوباره انسان مدنظر خود را احیا کند.

در این رویکرد سنایی نقاد می‌گردد و بخش خاکستری وجود خود را نشان می‌دهد و با اشعارش سعی می‌کند حقیقت واقعی وجود انسان را برملا کند، به اعتقاد او انسان حقیقتی عالی و ارزشمند دارد، اما در اعماق وجود انسان خوی حیوانی و شیطانی و روحانی نهفته است. همچنین شهوت و کینه و کبر و غرور باعث می‌شوند که انسان به سوی بعد تاریک وجود خود یعنی حیوانی و شیطانی نزدیک شود؛ اما او باید با تصفیه روح خود به بعد روحانی نزدیک شود، در نهایت انسان به سمت و سوی یکی از ابعاد وجودی کشیده خواهد شد و به سوی هر کدام متمایل گشت، در روز حساب به همان شکل محشور می‌گردد. سنایی همچنین بخشی از ویژگی‌های انسان کامل را در بهترین انسان‌هایی که می‌شناسند، جست‌وجو می‌کند و انسان کامل را پیر و راهنما و واسطه فیض و گوهر آفرینش می‌داند.

منابع

۱. امینی‌نژاد، علی، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴
۲. انصاری، قاسم، مبانی عرفان و تصوف، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۵
۳. بشیر، علی اصغر، سیری در ملک سنایی، موسسه انتشارات بیهقی، ۱۳۵۶
۴. پورنامداریان، تقی، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷
۵. رحیمیان، سعید، تجلی و احکام آن در عرفان عملی ابن‌عربی، بی‌جا، مجله مطالعات عرفانی، ۱۳۸۰

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۶. زرشناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران، نشر کتاب صبح، ۱۳۸۱
۷. زرقانی، سید مهدی، افق‌های شعر و اندیشه سنایی غزنوی به همراه گزیده‌ای از حدیقه، تهران، نشر روزگار، ۱۳۸۷
۸. سجادی، جعفر، فرهنگ اصلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۸۳
۹. سنایی، مجدودبن آدم، حدیقه الحقیقه سنایی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدجعفر یاحقی و سیدمهدی زرقانی، تهران، نشر سخن، ۱۳۹۷
۱۰. سنایی، مجدودبن آدم، دیوان، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، کتابخانه سنایی، چاپ هشتم، ۱۳۶۲
۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا، تازیانه‌های سلوک، تهران، نشر آگه، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰
۱۲. عطار، محمدبن ابراهیم، تذکره الاولیاء، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، چاپ اول، ۱۳۹۷
۱۳. فربد، محمدصادق، مبانی انسان‌شناسی، تهران، انتشارات پشتون، ۱۳۸۰
۱۴. گرامی، غلامحسین، انسان در اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۹۲
۱۵. مشایخی، کبری، انسان‌شناسی در ابعاد فلسفی عرفانی و علمی، تهران، انتشارات مینوفر، ۱۳۹۴
۱۶. میهنی، محمدبن منور، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید، به تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران، نشر فردوس، ۱۳۸۸

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature